

و دیدند ایشان در اتاق نشسته و دارند همین سرود «خجسته باد این پیروزی» را گوش می‌کنند، سلام کرد و داشت کارش را می‌گفت که شخص سومی از بستگان از در وارد شدند و رو کردند به امام(ره) و عرض کردند: فکر نمی‌کنید این غنا باشد که دارید گوش می‌کنید؟ امام(ره) با حالت تعجب همراه با برافروختگی به ایشان نگاه کردند و زیر لب حرفی زدند و دوباره ادامه دادند به گوش کردن سرود خجسته باد این پیروزی! یکی از همکاری‌های من با استاد سبزواری هم مربوط می‌شود به ارتحال حضرت امام، آن روزها همه دعا می‌کردند و همه تحت تأثیر بودند و یادم است که همه گوش به زنگ رادیو بودند و از احوال امام(ره) جویا می‌شدند. روزی که امام(ره) رحلت کردند، من داشتم می‌رفتم دانشسرا که دیدم همه دانشجویان یک جا جمع شده‌اند و منتظر خبر رادیو هستند که یک وقت صدای آقای «حیاتی» در صحن دانشسرا از بلندگوها پخش شد: «روح ملکوتی پیشوای مسلمانان و رهبر آزادگان جهان حضرت امام خمینی(ره) به ملکوت اعلا پیوست». یکباره انگار گرد مرگ در همه جا پاشیده شد، هیچ صدایی از هیچ‌کس در نمی‌آمد، آمدم بیرون که بروم خانه تا بتوانم با چند نفر مشورت بکنم و کاری انجام دهم، حتی تاکسی هم در خیابان نبود، پیاده به سمت خانه راهی شدم، در راه در دلم با خدا می‌گفتم: خدایی یک عنایتی کن که بتوانم یک کاری بکنم، یک سرودی بخوانم که مرهمی بر دردهای مردم باشد، رسیدم خانه همسرم گفت: اتار وحدت چندین بار تماس گرفتند که خودتان را سریع برسانید به مرکز موسیقی، آن موقع آقای «محمدعلی شکوهی» مدیر مرکز موسیقی بودند. رفته آنجا که دیدم آقای شکوهی در اتاق نشسته است و دارد با تلفن صحبت می‌کند و زیر لب یک شعری را با وزن زمره می‌کند. به من هم اشاره کرد که بنشینم؛ دقت کردم دیدم می‌گویند «بیار از دیده، دامن دامن ای اشک!» که غم زد آتشم در خرمن ای اشک/ درینا ای درینا ای درینا/ خدایی سایه‌ای رفت از سر ما». ظاهراً استاد سبزواری درجا پشت تلفن شعر می‌گفتند و ایشان هم همان جا ملودی را روی شعر سوار می‌کردند. تلفن که تمام شد پرسیدم ملودی و شعر از کجا آمده است؟ ایشان گفتند استاد سبزواری از پشت تلفن شعر را می‌خواندند من هم فی‌البداهه ملودی را تنظیم می‌کردم. این برای من عجیب بود. آن موقع همه استودیوها بسته بود. ما بالاخره یک جایی را پیدا کردیم فکر می‌کنم استودیو صبا در خیابان فلسطین بوده؛ آقای «شکوهی» یک سینتیسز داشتند که سال ۶۴ از ژاپن آورده بودند با آن صدای سازها را ضبط کردند و سیاحت ۹ تا ۱۰ ما این اشک را ضبط کردیم و ساعت ۱۱ از تلویزیون پخش شد. همه تعجب کرده بودند که چطور یک‌شبه تلویزیون یک همچین سرودی را آماده و پخش کرد. خب! یک عده هم می‌گفتند صداسوسیمای خودش را آماده کرده بوده برای احتمال ارتحال حضرت امام. ما به‌خاطر همین بعدش جریان را در مصاحبه‌هایی توضیح دادیم.

■ **رهبر حکیم انقلاب در دیدار سال ۹۴ شعرا، بعد از شعر موج و ساحل استاد سبزواری فرمودند: «این شعر نشان می‌دهد در ۹۰ سالگی هم می‌شود شعر جوانانه خواند.» شما که با استاد زیاد مانوس هستید، بفرمایید این روحیه از کجا نشأت می‌گیرد؟**

یک شاعر مثل استاد سبزواری علاوه بر مسائل ادبی که دنبال می‌کند، باید یک جهان‌بینی داشته باشد، استاد سبزواری در نگاه ایدئولوژیک و در جهان‌بینی سیاسی - اعتقادی هم بسیار عمیق هستند و همین مساله هم باعث می‌شود دوام و قوام نگاه ایشان در شعرهای بیشتر احساس شود. در شعرهای استاد چه قبل و چه بعد از انقلاب مسائل اجتماعی و دردهای مردم به وضوح دیده می‌شود و تفاوت ایشان با بسیاری از دیگران که شورش‌ماندگار شده است همین مساله است. استاد سبزواری به واسطه همان بینش عمیق و دلبستگی عمیقی که به آرمان‌های انقلاب دارند، شعرشان همچنان انقلابی و با صلابت است و همین مساله است که رهبری دربارشان می‌فرمایند می‌شود در ۹۰ سالگی هم شعر جوانانه گفت. وقتی آثار استاد سبزواری را دنبال کنید می‌بینید ایشان شعرهایی را گفته که کاملاً بروز بوده و در کوران حوادث روزگار مسالمانی از جلو برده است یا حتی مسالمانی را ایجاد کرده، این افکار روشنفکرانه و روشنگرانه ایشان است که ایشان را به عنوان پدر شعر انقلاب جاودانه کرده است. پیش‌تر هم گفتم به عنوان مثال همین شعر موج و ساحل را زمانی ایشان مطرح می‌فرمایند که زمره‌های سازش مطرح می‌شود، وقتی این شعر از کلام پیرمرد

۹۰ ساله انقلاب بیرون می‌آید، دشمن آن طرف مرز حساب کار می‌آید دستش که پیرمردهای‌شان یک همچین اراده و اندیشه‌ای دارند؛ وای به جوانان‌شان! چندی پیش که استاد کسالت داشتند و در بیمارستان بودند رفته به ملاقات ایشان، ایشان در کما بودند تقریباً، من دست ایشان را گرفتم و سرود «از صلابت ملت و ارتش و سپاه ما» را خواندم وقتی رسیدیم به اینجایی سرود که این «پیروزی خجسته باد این پیروزی» دیدم استاد هم لبشان تکان می‌خورد، زیر لب «این پیروزی خجسته باد این پیروزی» را بیان می‌کردند؛ این نشأت گرفته‌از همان تفکر انقلابی است. شاعر انقلابی با همه وجودش فدایی انقلابی است. استاد سبزواری پدر شعر انقلاب، اسوه انقلاب و عشق انقلاب است.



گفت‌وگوی «وطن امروز» با محمد گلریز درباره سرودهای انقلابی و هنر متعهد

# از صلابت ملت و ارتش و سپاه ما

مسؤولان از سرودهای انقلابی حمایت نمی‌کنند

نمی‌کند تا مجموعه فاخر سرودهای انقلابی ایشان را که بالغ بر هزار اثر است جمع‌آوری کند و در گنجینه هنر انقلاب محفوظ نگاه دارد؟ این یعنی آن مسؤول قدر جایگاه سیران این هنر را نمی‌داند، و الا سیران جریان مشخص است. استاد سبزواری کسی است که واقعا ادبیات انقلاب ما مدیون اقدامات او است و اگر راهی جز خط امام(ره) و انقلاب و شهیدا را رفته بود یا اندکی از مبانی معرفتی‌اش فاصله گرفته بود و با این جریان روشنفکری - که اتفاقاً خیلی هم تلاش داشتند ایشان نزدیک‌شان شود- همراهی می‌کرد؛ اکنون او را بت کرده بودند، در آن طرف اما ایشان ذره‌ای از آرمایش کنار نکشید.

■ **ظاهراً شما سینه برده‌ای از مسؤولان فرهنگی کشور دارید؟**

بله! البته عملکرد مسؤولان ما را باید مجزای از انقلاب اسلامی بدانیم. جمهوری اسلامی یکی از محصولات انقلاب اسلامی است که باید یک جمهوری انقلابی باشد، اما بسیاری مسؤولان را با جمهوری اسلامی و انقلاب یکی می‌گیرند که این اشتباه است و الا انقلاب اسلامی که دارد به همه جا تسری پیدا می‌کند و سوریه و یمن و بحرین و لبنان و عراق الان نتیجه تسری انقلاب است. پس اشتباهات مسؤولان را نباید به پای انقلاب و جمهوری اسلامی نوشت و باید عملکرد آنها را تفکیک کرد از کلیت نظام، به عنوان مثال عرض می‌کنم در همین حوزه فرهنگی؛ مسؤول فرهنگی کشور یا حتی غیرفهرنگی به ملاقات فردی می‌روند که نگاهش و عملکردش نسبت به انقلاب اسلامی زاویه دارد حال آنکه آن فردی که یک سال در بستر بیماری بود مثل آقای مرحوم سلحشور که شیره هنر انقلاب است، محروم از توجهات همین مسؤولان است. این رفتار را وقتی مردم می‌بینند، مردمی که دلبسته این انقلاب و جمهوری اسلامی هستند دلزده می‌شوند؛ دشمن هم اتفاقاً همین رفتار را از مسؤولان می‌خواهد و این رفتار مسؤولان عین بی‌صبری است در حالی که مقام معظم رهبری از همه ما توقع بصیرت دارند.

■ **انگار بحث‌های ما دیگر شده کلاسات استاد سبزواری، البته حق هم همین است که وقتی از موسیقی و سرودهای انقلابی صحبت می‌شود باید همه چیز حول و حوش ایشان باشد؛ خاطره‌ای از ایام شروع کارتان با استاد سبزواری دارید که جالب توجه باشد؟ از زمانی که تازه با یکدیگر سرودهای انقلابی را شروع کرده بودید.**

یک خاطره جدیدی که برای نخستین بار می‌خواهم نقل کنم مربوط است به گوش کردن امام(ره) به سرود «خجسته باد این پیروزی» که یکی از بزرگان اخیراً برایم نقل کرد. ایشان گفتند مرحوم حاج سیداحمدآقا برای‌شان نقل کردند که یک روزی داشتند می‌رفتند خدمت امام(ره) برای کاری که دیدند صدای رادیوی امام(ره) بیش از حد بلند است، کنجکاو شدند

حتی به مقدمه کتاب «سرود درد» استاد سبزواری که رهبر بزرگوار انقلاب در زمان ریاست‌جمهوری‌شان نوشتند، نگاه کنید، می‌بینید ایشان هم ضمن اینکه می‌گویند شعر در ادوار مختلف ناخالصی‌هایی داشت اما دوران شعر انقلاب را یک دوران ناب می‌دانند و می‌فرمایند «شعر دوران انقلاب در میان همه مقاطع تاریخی طولانی، این ویژگی را دارد که تقریباً یکدست و کامل در جهت آرمان‌ها و هدف‌های والا و سخنگوی احساسات و افکار جهت پیروزی‌های ملتی است که شاعر، از دل آن برخاسته و بدان وابسته است. شعر دوران انقلاب شعر زر و زور نیست، شعر احساسات سطحی و فردی و متوجه به آرزوها و امیال حقیر بشری نیست. زبان یک ملت و شرح حال یک ملت است. انعکاسی از روح بزرگ جامعه‌ای است که یکپارچه در جهت هدف‌ها و آرمان‌های الهی و انسانی گام برداشته و فداکاری کرده است. شعر هدفدار و سازنده مردمی است. شعر در بارها و میخانه‌ها و عیش‌کنده‌ها نیست. شعر صحنه عظیم جهاد و سیاست و انقلاب و جهان‌نگری است. شعر خدایی است.»

ایشان همچنین در آن مقدمه درباره استاد سبزواری می‌فرمایند: «شاعر گرمی ما آقای حمید سبزواری از پیشکسوتان و پیشروان این راه است. زبان فاخر در شعر حمید، با مضمون انقلابی و مکتبی، آمیزه‌ای مطلوب و ارزنده پدید آورده و مجموعه شعر او در دیوان معاصر فارسی، فصل رغبت‌انگیز و شایسته‌ای گشوده است.»

■ **شما اسم بزرگوارانی را می‌برید که هر کدام بعضاً قلم‌های در ادبیات شعر انقلاب هستند اما با این وجود قافله شعر و سرود انقلابی در جای خودش قرار ندارد؛ یعنی آن جایگاهی را که باید داشته باشد ندارد؛ مشکل از کجاست؛ از بی‌سر بودن موسیقی انقلاب است که وضعیت اینگونه است؟**

نه! اینگونه نیست، کاروان شعر انقلاب اسلامی با سر است اما به آن پرداخته نمی‌شود و توجهی به آن نمی‌شود. من چند وقتی است دبیر جشنواره موسیقی هنر انقلاب هستم؛ آنقدر مشکلات جلوی پای ما می‌گذارند و کارهای ما با کندی پیش می‌رود که حرکت متوقف می‌ماند. هیچ‌جا کمکی به این عرصه نمی‌کند در حالی که تلاش ما اعتلای هنر انقلاب است. آن کسی که باید بفهمد ارزش موسیقی انقلابی کجا است کمتر پیدا می‌شود. من یک نمونه بارز برای شما می‌آورم، استاد سبزواری جایگاه‌شان مشخص است، هم در شعر، هم در موسیقی انقلابی، هم در بین اهالی فرهنگ و هنر و هم حتی در پیشگاه رهبر معظم انقلاب! اما شما نگاه کنید تاکنون یک نهاد فرهنگی و غیرفهرنگی انقلاب محض رضای خدا - که این مساله خواسته رهبری بوده است- مجموعه سرودهای انقلابی استاد را جمع نکرده که این گنجینه نفیس انقلاب محفوظ و یکجا بماند. چرا هیچ مسؤولی پیگیری

نه! این متوقف به انقلاب نیست، موسیقی انقلاب متوقف به زمان نیست، موسیقی انقلاب همیای زمانه خودش حرکت می‌کند و در تحولات اجتماعی - سیاسی حضور دارد. من ۲ مثال برای تان می‌آورم، یکی از جوانان موسیقی انقلاب و یکی از پدران سرودهای انقلابی! شما امروز می‌بینید شعری را آقای دکتر «محمدمهدی

سپار» که از جوانان عرصه شعر انقلاب است به عنوان «مرگ بر آمریکا» می‌سراید و آقای «حامد زمانی» آن را اجرا می‌کند که قطعاً شما هم آن را شنیده‌اید، این شعر امروز در ذهن جامعه تثبیت شده بویژه در ایامی که برخی می‌خواستند «مرگ بر آمریکا» را از ذهن و اندیشه انقلاب اسلامی حذف کنند؛ یا در همین دیدار رهبری شعر «سازش موج و ساحل محال است» از استاد سبزواری که در ایامی که زمره‌های سازش از برخی بلند می‌شود موجی را در حوزه ادبیات در مقابل این جریان ایجاد می‌کند. اینها یعنی شعر و موسیقی انقلاب معطوف به زمان نیست.

■ **گفتید استاد سبزواری؛ اگر اشتباه نکنم بیشتر آثار شما با سرودهای ایشان بوده است.**

بله! قریب به اتفاق سروده‌هایی که من

آوازخوانی آن را انجام دادم، حاصل تفکر و اندیشه استاد حمید سبزواری بوده که بحق، پدر شعر انقلابم. ما چند ماه پیش از انقلاب اسلامی، بعد از آن آشنایی اولیه خیلی سریع بسیاری از کارها را شروع کردیم به تنظیم کردن، به نحوی که وقتی انقلاب پیروز شد؛ دست ما پر بود از آهنگ‌های انقلابی و خوبی به که مردم ارثه می‌کردیم.

■ **افراد مؤثر در موسیقی انقلاب چه کسانی بودند؟**

می‌توان گفت به‌طور قطع مهم‌ترین شخصیت خود استاد حمید سبزواری است که اساساً اگر اسم او نباشد، حرف زدن از سرودهای انقلابی بی‌معنی است و او را باید پدر شعر انقلاب نامید؛ البته در این عرصه بسیاری از افراد دیگری هم بودند که زحمات‌های زیادی کشیدند، آقایان «صبحدل»، «شاهنگیان»، «مردانی»، «خشنود»، «معلم»، مرحوم استاد «شفیق کاشانی» و خیلی‌های دیگر. همه اینها کسانی بودند که عرصه سرود انقلابی به آنها مدیون است و همه اینها ذیل سکانتدار شعر و سرود انقلاب؛ استاد سبزواری جریان مستحکمی را بنیان نهادند. در تکمله بحث ویژگی‌های موسیقی و شعر انقلاب که استاد سبزواری آینه تمام‌نمای آن است اگر

ادامه از صفحه اول

این اتفاق نیفتاد. یا وقتی در کشورهای غربی موسیقی زمان جنگ دوم جهانی را پخش می‌کنند همه به احترام آن می‌ایستند و با شوق به آن گوش می‌دهند؛ اما مسؤولان ما خیلی راحت می‌گویند زمانه موسیقی انقلاب گذشته است. این اظهارات با وجود آن است که در بین توده‌ها و مردم اتفاقاً این موسیقی پایگاه و جایگاه دارد. متأسفانه ما موسیقی انقلاب را دست‌کم گرفته‌ایم و با دست خودمان این موسیقی فاخر را کمرنگ کرده‌ایم؛ لازم است دوباره همه فعالان این عرصه دست به دست هم بدهند و متحد شوند تا کشتی موسیقی انقلاب اسلامی را به ساحل برسانند.

■ **خودتان کار جدیدی در این حوزه داشته‌اید؟**

آبا خنده! کار جدید من هم با همان برخوردی مواجه شده است که کار این جوانان مواجه شده، من اخیراً یک سرودی را آوازخوانی کردم که با شعر مریم برزگر و آهنگسازی داوود وززیده برای شهید حاج «حسین همدانی» آماده شده بود؛ اما روی این هم هیچ مانور و تبلیغاتی داده نشد. من اساساً سوالم این است که چرا نباید برای اسوه‌های انقلاب موسیقی و آواز خوب ساخته شود؟ ۲۰ فروردین همه یاد شهید آوینی می‌افتد اما یک کار خوب تاکنون برای آوینی در حوزه سرودهای انقلابی ساخته نشده است؛ بگذریم که در باقی حوزه‌ها هم ساخته نشده! چرا درباره «همت»، «باری»، «زین‌الدین»، «علم‌الهدی»، «شهادی هسته‌ای» و «شهادی مدافع حرم» کار فاخر موسیقی ساخته نشده؟ اینها زندگی‌شان می‌تواند سرلوحه جوانان باشد اما خب! هنر انقلاب باید دست به کار شود تا اینها را بشناسانیم.

■ **موسیقی انقلاب چه تفاوتی دارد با باقی موسیقی‌های رایجی که در عالم موسیقی است؟**

موسیقی انقلاب از آغاز در پی ترویج ارزش‌ها و فداکاری‌های مردم ما در جریان انقلاب اسلامی بود و هرچند طرح از پیش نوشته شده‌ای برای فعالان دلسوز این عرصه وجود نداشت، اما آنها توانستند با الهام از شعرهای مردمی در جریان انقلاب اسلامی که همراه با ملودی بود و واژه‌هایی مانند «الله»، «لا اله الا الله»، «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی»، «پران»، «وطن» و... که در آنها وجود داشت، آثار انقلابی را خلق کنند. مساله دیگر در سرودهای انقلابی دغدغه‌های مردمی بود، یعنی در موسیقی انقلاب فارغ از مسائل مبتذل و هوس‌های انسانی، ما با دردهای مردم و با اعتقادات مردم همراه می‌شدیم. موسیقی انقلابی ۲ وجه داشت، یکی اسلامی بود و داشتن مضامین والای انقلاب و دوم مردمی بودن و همراه اجتماع، موسیقی انقلاب حرکت‌های اجتماعی به‌وجود می‌آورد و موج‌سازی می‌کرد در فضا، گاهی برخی از مفاهیم با موسیقی انقلاب تثبیت می‌شد. برای مثال سرودهای انقلابی مانند «خمینی ای امام»، «برخیزید»، «بانگ آزادی» و... که در آن زمان اجرا و پخش شدند هم از زیبایی قابل قبولی برخوردار بودند و هم توانستند پیام انقلاب اسلامی را در قالب هنر بیان کنند. آنچه در آن زمان به سرودهای انقلابی تأثیر و نفوذ می‌بخشید، خلوص و نیت پاک سازندگان آن بوده در آن دوران همه از صمیم قلب و عمق دل می‌خواستند برای خدا و دین و انقلاب و مردم کار کنند و بدون هیچ چشم‌داشتی در این راه فعالیت می‌کردند؛ این مساله را در دوران ۸ ساله دفاع‌مقدس هم شاهد بودیم و اگر به موسیقی حماسی آن دوران توجه کنیم،

آثاری را می‌بینیم که اگر نگوییم بی‌نظیر، قطعاً باید بگوییم کم‌نظیر بودند.

■ **آیا اینها متوقف به زمان انقلاب بوده است؟ یعنی امروز نمی‌تواند باشد یا نمونه‌هایی را نمی‌شود مثال زد که در زمان حاضر هم باشد؟**

